

بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود با تاکید بر ابعاد حاکمیت شرکتی

سعید رضایی

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
sa1974re@gmail.com

بهناز سیدی نژاد

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
b.seyyedinezhad@gmail.com

جمیله شاکری

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
shakeri.j61@gmail.com

چکیده

شرکت‌هایی که از نتایج سرمایه‌گذاری سود می‌برند، مدیران را به بهبود کیفیت عملکرد شرکت از طریق فعالیت دستکاری سود شرکت تشویق می‌کنند. همچنین حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند عملکرد و ارزش اقتصادی بلندمدت را برای سرمایه‌گذاران و سهامداران بهبود بخشد. بر همین اساس هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود با تاکید بر ابعاد حاکمیت شرکتی می‌باشد. تحقیق حاضر از لحاظ هدف کاربردی بوده و از لحاظ روش از نوع تحقیقات علی (پس رویدادی) است. جامعه آماری تحقیق، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک ۱۴۹ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. فاصله زمانی تحقیق بین سالهای ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۱ بوده است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون خطی چند متغیره با کمک نرم افزار ایویوز استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود رابطه مثبت معنی داری وجود دارد همچنین درصد مالکیت سهامداران نهادی و درصد مالکیت اعضای هیات مدیره بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر معنی داری نشان داد.

واژگان کلیدی: درصد مالکیت سهامداران نهادی، درصد مالکیت اعضای هیات مدیره، حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، عدم تقارن اطلاعاتی.

مقدمه

صورت‌های مالی وسیله ارتباطی برای ارائه اطلاعات مالی است که توسط اشخاص داخلی به اشخاص خارجی ارائه شده است (کیسو^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). هدف از صورت‌های مالی شرکت ارائه شده به منافع عمومی، ارائه اطلاعات به طرف‌های نیازمند در رابطه با وضعیت مالی شرکت، عملکرد یک شرکت و جریان نقدی یک واحد تجاری است که بتواند منافی را برای کسانی که نیاز دارند فراهم کند. همچنین در مورد صورت‌های مالی به دست آمده تصمیم اقتصادی بگیرد (لیندا و آگوستینا^۲، ۲۰۱۸). شرکت‌هایی که از نتایج سرمایه‌گذاری سود می‌برند، مدیران را به بهبود کیفیت عملکرد شرکت از طریق فعالیت دستکاری سود شرکت تشویق می‌کنند. فعالیت‌های مدیریت سود می‌تواند توسط مدیران با اعمال سیاست‌های

¹ Kies

² Linda & Agustina

حسابداری تعهدی برای دستیابی به اهداف شرکت انجام شود. حسابداری مبتنی بر تعهدی به مدیران این امکان را می دهد تا روش های حسابداری را بر اساس استانداردهای مجاز انتخاب کنند. این اقدام، گردآوری معاملات برای تغییر صورت های مالی است به طوری که نتایج ارقام موجود در صورت های مالی شرکت به نام مدیریت سود را تحت تأثیر قرار می دهد. مدیریت سود شامل چندین جنبه است. اولین گزارشگری مالی با مدیریت سود از طریق ارزیابی انجام می شود که تعداد زیادی از رویدادهای اقتصادی آتی را که می توان از طریق صورت های مالی نشان داد، یعنی ارزش دارایی های ثابت باقی مانده، عمر اقتصادی تخمینی، بدهی بازنشستگی، زیان های ناشی از مالیات معوق را تخمین زد. مطالبات و کاهش ارزش دارایی. علاوه بر این، مدیران شرکت می توانند روش های حسابداری را در قالب روش های استهلاک و روش های بهای تمام شده انتخاب کنند. دوم، وجود مدیریت سود در یک شرکت می تواند سرمایه گذاران را در مورد عملکرد اقتصادی یک شرکت گمراه کند، به طوری که سرمایه گذاران تصمیمات نادرست بگیرند. مدیریت سود را می توان با افزایش یا کاهش سود شرکت انجام داد. مدیریت سود می تواند به این دلیل اتفاق بیفتد که شرکت ها در انتخاب روش های حسابداری و برآوردهای حسابداری که در صورت های مالی ارائه می شود، آزادی دارند (بارتو^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). دو نوع تشویق در ترغیب مدیران شرکت به انجام مدیریت سود وجود دارد که عبارتند از اجتناب از ضرر و اجتناب از کاهش سود. تشویق اول، اجتناب از زیان در صورتی انجام می شود که شرکت متحمل زیان شود تا بتواند بر قیمت سهام، از بین رفتن اعتماد سرمایه گذاران، تشویق به انجام ممیزی مالیاتی توسط دولت تأثیر بگذارد. تشویق دوم، اجتناب از کاهش در سود شرکتی است که این کار به گونه ای انجام می شود که سود ارائه شده دچار نوسانات نشود، تأثیری را که برای طرف های خارجی خوب نیست کاهش می دهد (سانتانا و ویرکوزاما^۲، ۲۰۱۶). حاکمیت شرکتی یکی از عوامل موثر بر مدیریت سود است. ساختار و مکانیسم حاکمیت شرکتی باید مطابق با قوانین، مقررات و اخلاقیات قابل اجرا باشد. حاکمیت شرکتی خوب می تواند عملکرد و ارزش اقتصادی بلندمدت را برای سرمایه گذاران و سهامداران بهبود بخشد. حاکمیت شرکتی به همسو کردن منافع مدیران با منافع سهامداران و افزایش اعتبار اطلاعات حسابداری کمک می کند. نقش حاکمیت شرکتی کاهش مشکل نمایندگی و کاهش هزینه های نمایندگی برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران است. شرکت هایی با حاکمیت شرکتی خوب عملکرد بهتری دارند. حاکمیت شرکتی قوی عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی (مثلاً مدیران) و افراد خارجی (به عنوان مثال، سرمایه گذاران) و همچنین بین افراد خارجی را کاهش می دهد. بنابراین، شفافیت اطلاعات شرکت را افزایش دهید. از آنجایی که مدیران تمایل به داشتن اطلاعات خصوصی و تجربه خاص شرکت در تمام جنبه های کسب و کار شرکت دارند، مشکلات اخلاقی شدیدی می تواند از عدم تقارن اطلاعاتی بین افراد داخلی و خارجی ایجاد شود. ویدیانگیش^۳ (۲۰۱۷) بیان می کند که شرکت هایی که مالکیت خانوادگی دارند می توانند تأثیر قابل توجهی بر مدیریت سود داشته باشند. تحقیقات انجام شده توسط ایندراچیا و فایسول^۴ (۲۰۱۷) بیان می کند که حاکمیت شرکتی تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد، عوامل متعددی وجود دارد که می تواند مدیریت سود را راه اندازی کند که یکی از آنها اطلاعات نامتقارن است. عدم تقارن اطلاعاتی مفهومی است که تشخیص می دهد چندین طرف در معاملات تجاری وجود دارند که در مقایسه با سایر طرف ها از مزیت اطلاعاتی برخوردارند. عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت باعث ایجاد شیوه های مدیریت سود می شود. عدم تقارن اطلاعات موجود در یک شرکت می تواند مدیر شرکت را تشویق کند تا در مورد فعالیت های مدیریت سود در صورتی که اطلاعاتی که باید منتقل شود به عملکرد خود مدیر مربوط باشد اقدام کند. به منظور کاهش وجود فعالیت های مدیریت سود در داخل شرکت، می توان کیفیت اطلاعاتی را که در اختیار اشخاص خارجی (سرمایه گذاران) قرار می

¹ Bartov

² Santana & Wirakusuma

³ Widyanings

⁴ Indracahya & Faisol

گیرد، ارتقا داد. زمانی که عدم تقارن اطلاعات شرکت زیاد باشد، فرصت‌هایی برای مدیران شرکت ایجاد می‌شود تا فعالیت‌های مدیریت سود را انجام دهند که در آن افراد خارجی به اطلاعات بیشتری در مورد وضعیت شرکت دسترسی نداشته باشند به طوری که افراد خارجی نتوانند بر فعالیت‌های انجام شده توسط مدیر نظارت کنند. می‌تواند منجر به فعالیت‌های مدیریتی شود. درآمد در شرکت (پرامستی و بودیاسیه^۱، ۲۰۱۷). لیتا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) بیان کردند عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر مثبتی بر درآمد مدیریت دارد. یولیوس^۳ و همکاران (۲۰۱۹) اظهار داشتند که عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر قابل توجهی بر مدیریت سود ندارد. خضیری و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد با افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی، رفتار فرصت طلبانه مدیریت سود در شرکت‌ها افزایش می‌یابد. توفیق و شریفی (۱۳۹۹) نشان دادند بین عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد و همبستگی بین آنها مثبت است به این معنا که به ازای هر واحد افزایش در عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت‌ها با افزایشی معادل ۰.۱۳۶ واحد در نسبت پرداخت سود خود روبرو خواهند شد. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این است که متغیرهای فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تمرکز مالکیت بر سیاست تقسیم سود تأثیری معناداری دارد اما تأثیر متغیرهای نقدینگی، گردش سهام، اندازه شرکت، حجم معاملات، ارزش معاملات و نقدشوندگی بر سیاست تقسیم سود معنادار نمی‌باشد. از طرفی اندازه دارایی‌های متعلق به شرکت می‌تواند نشان دهد که سرمایه به دست آمده از سرمایه‌گذاران نیز زیاد است. شرکت‌های بزرگ می‌توانند بیشتر مورد توجه طرف‌های خارجی مانند سرمایه‌گذاران، دولت و طلبکاران قرار بگیرند.

مبانی نظری

تئوری نمایندگی، رابطه نمایندگی را توصیف می‌کند، و قراردادی است که در آن یک یا چند مدیر در قالب سهامداران به عنوان شخصی که حکم به انجام یک خدمت از طرف اصلی می‌دهد و با اجازه دادن به مدیریت (نماینده) برای ارائه بهترین تصمیم. سهامداران (اصلی) مدیران و سرمایه‌گذارانی که منافع متفاوتی دارند نیز تصمیمات متفاوتی می‌گیرند که در نهایت منجر به تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران می‌شود (نورانون^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). مدیریت یک طرف قرارداد اصلی است که برای منافع سهامداران کار می‌کند، بنابراین مدیریت باید بتواند کارهایی را که به سهامداران انجام می‌دهد حساب کند. اگر مدیریت (نماینده) وظایف محول شده توسط سرمایه‌گذار (معاون اصلی) را اولویت بندی نکند، می‌تواند باعث تضاد نمایندگی شود و در نهایت باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی شود (آلیجانا^۵ و همکاران، ۲۰۱۷). اگر مدیریت در شرکت وجود داشته باشد هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد، زیرا نمایندگان و مدیران هدف یکسانی در به حداکثر رساندن کیفیت شرکت دارند. مشکلی که بین نماینده و مدیر ایجاد می‌شود را می‌توان با تئوری نمایندگی غلبه کرد. تئوری سیگنالینگ ارتباط نزدیکی با عدم تقارن اطلاعاتی دارد که در آن سیگنال‌های درون شرکت بین مدیریت (نماینده) و سرمایه‌گذار (اصول) افشا می‌شود. این مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد تا شرکت بتواند با موفقیت سرمایه خود را از سرمایه‌گذاران حفظ و به دست آورد. این تئوری سیگنالینگ را می‌توان به عنوان توضیحی در مورد اینکه چرا یک شرکت تمایل دارد اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی را به طرف‌های خارجی (سرمایه‌گذاران) ارائه دهد، استفاده شود. تمایل شرکت به ارائه اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی به افراد خارجی این است که عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و اشخاص خارجی (سرمایه‌گذاران) وجود داشته باشد که در آن مدیریت نسبت به افراد خارجی (بستانکاران، سرمایه‌گذاران)

¹ Ramesti & Budiasih

² Lita

³ Yulius

⁴ Nurainun

⁵ Aljan

از وضعیت شرکت آگاهی بیشتری دارد. برای افراد خارجی که اطلاعات بیشتری در مورد شرایط شرکت ندارند، با دادن قیمت کمتر به شرکت، از خود محافظت می کنند. افزایش ارزش در شرکت را می توان با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی انجام داد. دادن سیگنال به افراد خارجی در قالب اطلاعات مربوط به صورت های مالی شرکت حسابرسی شده راهی است که شرکت ها می توانند برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی انجام دهند (کورنیوانسا و همکاران؛ ۲۰۱۸). تئوری حسابداری مثبت (PAT) نظریه ای است که برای توضیح فرآیندی با استفاده از توانایی، درک و سیاست های حسابداری که در مواجهه با شرایط و شرایط خاص در آینده مناسب ترین هستند، استفاده می شود (ریچارد^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). وجود سه فرضیه از PAT به شرح زیر است: فرضیه های طرح پاداش، شرکت روش حسابداری مناسب را برای انتقال درآمدهای آتی به دوره جاری با هدف دریافت پاداش توسط شرکت انتخاب خواهد کرد. در فرضیه قرارداد بدهی، شرکت ها این فرضیه را با گزارش تغییرات سود در دوره آتی به حال انتخاب می کنند، در صورتی که شرکت اصول حسابداری مبتنی بر قرارداد بدهی را نقض کند. در فرضیه قرارداد بدهی، شرکت ها روش های حسابداری را برای کاهش سود با منحرف کردن درآمد فعلی به آینده انتخاب می کنند تا از سیاست مالیاتی دولت اجتناب کنند (نورانون و همکاران، ۲۰۲۲). ویملدا و چاندرا^۲ (۲۰۱۸) که حاکمیت شرکتی را به عنوان مجموعه ای از روابط بین مدیریت شرکت، هیئت مدیره شرکت، سهامداران و سایر سهامداران مرتبط تعریف می کند. حاکمیت شرکتی همچنین داریی های شرکت را تضمین می کند و ارزش سرمایه گذاری های بلند مدت را افزایش می دهد. هیئت مدیره، سهامداران و ذینفعان مدیریت را برای کاهش احتمال تضاد منافع بین نمایندگان و مدیران نظارت خواهند کرد. شیوه های حاکمیت شرکتی می تواند شرکت ها را در مدیریت سود کاهش دهد. ویملدا و چاندرا (۲۰۱۸) مکانیسم های حاکمیت شرکتی را می توان به دو صورت تقسیم کرد، یعنی مکانیسم های حاکمیت شرکتی داخلی و مکانیسم های حاکمیت شرکتی خارجی. بنابراین، حاکمیت شرکتی را می توان به عنوان یک سیستم و ساختار پیاده سازی شده توسط شرکت نتیجه گرفت تا شرکت بتواند با در نظر گرفتن منافع ذینفعان، ارزش سرمایه گذاری بلندمدت را افزایش دهد. عدم تقارن اطلاعاتی مفهومی است که تشخیص می دهد چندین طرف در معاملات تجاری وجود دارند که در مقایسه با سایر طرف ها از مزیت اطلاعاتی برخوردارند زارا^۳ و همکاران (۲۰۱۵) اظهار داشتند عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت باعث ایجاد شیوه های مدیریت سود می شود. رابطه نزدیکی بین عدم تقارن اطلاعات و سطح شیوه های مدیریت سود وجود دارد. عدم تقارن اطلاعات موجود در یک شرکت می تواند مدیر شرکت را تشویق کند تا در مورد فعالیت های مدیریت سود در صورتی که اطلاعاتی که باید منتقل شود به عملکرد خود مدیر مربوط باشد اقدام کند. به منظور کاهش وجود فعالیت های مدیریت سود در داخل شرکت، می توان کیفیت اطلاعاتی را که در اختیار اشخاص خارجی (سرمایه گذاران) قرار می گیرد، ارتقا داد. کیفیت اطلاعات صورت های مالی ارائه شده می تواند نشان دهنده سطح وسیع شیوه های مدیریت سود در شرکت باشد. زمانی که عدم تقارن اطلاعات شرکت زیاد باشد، فرصت هایی برای مدیران شرکت ایجاد می شود تا فعالیت های مدیریت سود را انجام دهند که در آن افراد خارجی به اطلاعات بیشتری در مورد وضعیت شرکت دسترسی ندارند، به طوری که افراد خارجی نتوانند بر فعالیت های انجام شده توسط مدیر نظارت کنند، می تواند منجر شود. به سود فعالیت های مدیریت در شرکت. وجود عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت می تواند فرصتی را برای مدیران فراهم کند تا با دادن سیگنالی به سرمایه گذاران در خصوص شرایط موجود در شرکت، ارزش شرکت را به حداکثر برسانند. افشای اطلاعات در حسابداری شکلی از سیگنال است که می تواند توسط مدیران شرکت داده شود (منگو^۴، ۲۰۱۶). به گفته زارا و همکاران (۲۰۱۵) عدم تقارن اطلاعات در یک شرکت به دو نوع تقسیم می شود، یعنی: اولاً، انتخاب نامطلوب نوعی عدم تقارن اطلاعاتی است که در

¹ Richard

² Wimelda & Chandr

³ Zarah

⁴ Manggau

آن یک طرف یا بیشتر مانند یک مدیر یا طرف دیگر اطلاعات بیشتری در مورد شرایط کسب می کنند. شرکت نسبت به اشخاص خارجی مانند سرمایه گذاران. دوم، خطر اخلاقی نوعی عدم تقارن اطلاعاتی است که توسط یک طرف یا بیشتر شبیه یک مدیر شرکت انجام می شود که در آن اقداماتی که باید انجام شود برای سرمایه گذاران ناشناخته است. با آن مدیر می تواند کارهایی را انجام دهد که خلاف اخلاق و قراردادهایی است که نباید بدون اطلاع طرف های خارجی انجام شود. اندازه شرکت مقیاسی برای مقایسه بین شرکت های بزرگ و شرکت های کوچک است که می توان آن را با مشاهده مقدار دارایی ها، اندازه گزارش، میزان فروش و ارزش بازار طبقه بندی کرد. شرکت های بزرگ سهام جدیدی را برای فروش گسترده منتشر می کنند تا رشد فروش در شرکت را در مقایسه با شرکت های کوچک افزایش دهند. اندازه یک شرکت به طور فزاینده بزرگ احتمالاً به تأمین مالی از طرف های خارجی نیاز دارد. شرکت های بزرگ به سرمایه های بزرگ تری نیاز دارند و یکی از راه های جایگزین برای دریافت وجوه، دادن وام یا بدهی است. می توان گفت که شرکت های بزرگ در مقایسه با شرکت های کوچک، احتمال بیشتری برای استفاده از بدهی به عنوان یک سرمایه گذاری جایگزین خواهند داشت (واهیونو^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). افزایش مقدار وجوهی که باید به دست آید، فعالیت های مدیریت سود انجام شده توسط شرکت را تشویق می کند. علاوه بر این اندازه بزرگ یک شرکت نشان دهنده گردش مالی بهتر و تعداد دارایی های تحت مالکیت به طوری که سرمایه گذاران را برای سرمایه گذاری خود جذب کند. همچنین می تواند فعالیت های مدیریت سود را در شرکت آغاز کند (آسیرو و هارتونو^۲، ۲۰۱۹). نلسون^۳ و همکاران (۲۰۱۹) بیان می کند که اندازه شرکت تأثیر مثبت و معناداری بر مدیریت سود دارد. وجود این رابطه نشان دهنده انطباق با نظریه نمایندگی است که در آن عدم تقارن اطلاعات در شرکت می تواند مدیران را به انجام فعالیت های مدیریت سود به نفع خود تشویق کند. با هدف کسب سود علاوه بر این، رابطه اندازه شرکت مطابقت با تئوری سیگنال را نشان می دهد که در آن انگیزه های برای مدیران شرکت وجود دارد که سیگنال هایی را در قالب شرایط شرکت و اطلاعات مربوط به صورت های مالی حسابرسی شده به افراد خارجی ارائه کنند (آسیرو و هارتونو^۴، ۲۰۱۹). کوین^۵ و همکاران (۲۰۲۴) نشان داد کیفیت حاکمیت شرکتی، مدیریت سود را محدود می کند، که با اقلام تعهدی اختیاری مطلق و امضا شده و مدیریت سود واقعی اندازه گیری می شود. به ویژه، ارتباط منفی بین کیفیت حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های خصوصی (غیر شرکت های دولتی)، شرکت هایی با مالکیت خارجی بالا و مالکیت متمرکز پایین، و شرکت های با رشد بالا در مقایسه با همتایان خود عمیق تر است. نتایج آزمون نوانون و همکاران (۲۰۲۲) متغیر حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی را با نتایجی که تأثیر معناداری بر مدیریت سود نشان نمی دهد توضیح می دهد در حالی که متغیر اندازه شرکت رابطه مثبت و معناداری را با مدیریت سود نشان می دهد. از آنجا که مدیران برای افزایش منافع شخصی خود، در استفاده از معیارهای حسابداری، که مبنای اطلاع رسانی برای سرمایه گذاران است، جانبدارانه عمل می کنند. اگر محدودیت هایی که این رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود نماید، وجود نداشته باشد در آن صورت ارقام حسابداری موجود در گزارش های مالی جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد که این امر به نوبه خود منجر به افزایش انتظارات سهامداران و بالا رفتن هزینه سرمایه سهام عادی می گردد. مدیران برای افزایش منافع شخصی خود، در استفاده از معیارهای حسابداری، که مبنای اطلاع رسانی برای سرمایه گذاران است، جانبدارانه عمل می کنند. اگر محدودیت هایی که این رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود نماید، وجود نداشته باشد در آن صورت ارقام حسابداری موجود در گزارش های مالی جانبدارانه تهیه و ارائه خواهد شد که این امر به نوبه خود منجر به افزایش انتظارات سهامداران و بالا رفتن هزینه سرمایه سهام عادی می گردد. کیفیت بالای افشا و تقارن اطلاعاتی موجب هماهنگی بیشتر مدیران و سرمایه

¹ Wahyono

² Asyiroh & Hartono

³ Nalarreason

⁴ Asyiroh & Hartono

⁵ Quynh

گذاران در رابطه با تصمیم های سرمایه گذاری می شود. برعکس، هر چه کیفیت افشای اطلاعات پایین تر و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران بیشتر باشد، سرمایه گذاران به جهت پذیرش ریسک بیشتر، هزینه سرمایه بالاتری را مطالبه می کنند. افزون بر این، عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از کیفیت افشای پایین، مسئله انتخاب نادرست را در پی خواهد داشت. اوراق بهادار مواجه با این مشکل، از نقدشوندگی کمتری برخوردارند و هزینه داد و ستد آن ها در زمان خرید و فروش بیشتر است. بنابراین، خریداران تمایل کمتری به خرید آن ها دارند. سرمایه گذاران برای اضافه هزینه معاملاتی پرداخت شده، پاداش بیشتری مطالبه می کنند. با افشای اطلاعات خصوصی و بهبود کیفیت افشا، شرکت ها می توانند عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه مبادله اوراق بهادار و بدین ترتیب هزینه سرمایه را کاهش و در نتیجه بازده خود را بهبود بخشند. بر همین اساس هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود با تاکید بر ابعاد حاکمیت شرکتی می باشد.

روش پژوهش

این تحقیق از منظرهدف از نوع تحقیقات کاربردی استاز آنجا که پژوهش حاضر پس از وقوع رویدادها به بررسی موضوع می پردازد، در زمره پژوهش های همبستگی، پس رویدادی می باشد. پژوهش حاضر از نظر شیوه اجرا در زمره پژوهش های میدانی می باشد. در این پژوهش، جامعه آماری مورد نظر شامل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار از سال ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۱ می باشد. که به رو حذف سیستماتیک تعداد ۱۴۹ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد. داده های مورد نیاز این پژوهش از صورتهای مالی حسابرسی شده و سایر گزارشات مالی شرکتهایی عضو نمونه از منابع زیر جمع آوری می شود:

- بانک اطلاعاتی ره آورد نوین.
- بانک اطلاعاتی جامع شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از طریق سایت اینترنتی سازمان بورس اوراق بهادار تهران.
- صورتهای مالی حسابرسی شده شرکت های پذیرفته شده از طریق سایت کدال.
- استفاده از کتابخانه های معتبر در رشته حسابداری و سایت های معتبر برای دریافت اطلاعات مربوط به موضوع پژوهش.

در این تحقیق از روش های موجود در آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی جهت بررسی و تجزیه و تحلیل داده های تحقیق استفاده که به شرح زیر می باشند در این مطالعه از داده های تابلویی یا ترکیبی (سال / شرکت) استفاده می شود. فرض اغلب آزمونهای آماری این است که داده های مورد آزمون دارای توزیع نرمال هستند. برای تعیین اینکه توزیع داده های مورد استفاده در تحقیق، دارای توزیع نرمال هستند یا خیر، از آزمون نرمال بودن استفاده می شود. در تحقیقات تجربی حسابداری از روش های مختلفی برای تست نرمال بودن توزیع داده ها، روشهای گرافیکی و آماری، استفاده می شود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های توصیفی، مرکزی و پراکندگی، استفاده می شود. برای بررسی روابط میان متغیرها از آزمون های همبستگی استفاده شده و برای آزمون فرضیه ها با طی مراحل زیر از روش رگرسیون چند متغیره استفاده می شود: تعیین پایایی متغیر های مدل با استفاده از آزمونهای ریشه واحد در داده های تابلویی انتخاب الگوی مناسب برای مدل رگرسیون، با انجام آزمون F ، یعنی انتخاب یکی از این روش ها:

الف- رگرسیون حداقل مربعات معمولی تجميع شده.

ب- روش اثرات ثابت: در صورت همگن بودن مقاطع از رگرسیون حداقل مربعات معمولی تجميع شده استفاده می شود، در غیر اینصورت از روش اثرات ثابت استفاده می شود. در صورت استفاده از روش اثرات ثابت، با انجام آزمون هاسمن کاربرد

الگوی اثرات ثابت یا الگوی اثرات تصادفی را بررسی می کنیم. با توجه به نوع آزمون مورد استفاده، برای تست اعتبار نتایج آزمون از آزمونهای تشخیصی مرتبط با آن استفاده خواهد شد. نرم افزار آماری مورد استفاده در این تحقیق نیز نرم افزار ایوبوز^۱ می باشد.

مدل و متغیرها

متغیر وابسته: مدیریت سود

در این تحقیق برای اندازه گیری متغیر وابسته از مدیریت سود واقعی استفاده شد. برای شناسایی شرکت‌هایی که به مدیریت سود واقعی تمایل دارند، سطح غیر عادی سه معیار هزینه های تولید، هزینه های اختیاری و جریانهای نقدی عملیاتی برای هر شرکت - سال مورد نیاز است. بدین ترتیب از مدل های زیر استفاده خواهد شد:

الف) مدل برآورد سطح عادی هزینه های تولید:

با پیروی از تحقیقات روی چودری (۲۰۰۶)، کوهن و همکاران (۲۰۰۸) و کوهن و زاروین (۲۰۱۰) در این تحقیق سطح عادی هزینه های تولید با بکارگیری معادله زیر برآورد می شود:

$$\text{Prodcost}_{i,t} / \text{Asset}_{t-1} = K_1 * \text{Asset}_{i,t-1} + K_2 * \text{Rev}_{i,t} / \text{Asset}_{i,t-1} + K_3 * \Delta \text{Rev}_{i,t} / \text{Asset}_{i,t-1} + K_4 * \Delta \text{Rev}_{i,t} / \text{Asset}_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$\text{Prodcost}_{i,t}$ = بهای تمام شده کالای فروش رفته $(\text{COGS}_{i,t})$ + اختلاف موجودی اول و پایان دوره $(\Delta \text{Inv}_{i,t})$.

$\text{Asset}_{i,t-1}$ = کل دارایی های شرکت در پایان دوره $t-1$.

$\text{Rev}_{i,t}$ = فروش خالص (درآمد).

$\Delta \text{Rev}_{i,t}$ = فروش سال های t منهای فروش سال $t-1$.

ب) مدل برآورد سطح عادی هزینه های اختیاری

به منظور اندازه گیری دستکاری هزینه های اختیاری توسط مدیریت روی هزینه های فروش، عمومی و اداری تمرکز شده زیرا در برگرنده بسیاری از هزینه های اختیاری از جمله هزینه های تحقیق و توسعه، هزینه تبلیغات، هزینه های بازاریابی، هزینه اجاره، کمیسیون ها و هزینه های مهندسی می باشد. با پیروی از الگوی روی چودری (۲۰۰۶) در این تحقیق سطح عادی هزینه های فروش، عمومی و اداری به کارگیری معادله زیر برآورد می شود:

$$K_1 * \Delta \text{Asset}_{i,t-1} + K_2 * \text{Rev}_{i,t-1} / \text{Asset}_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \text{DisExp}_{i,t} / \Delta \text{Asset}_{i,t-1} =$$

که در آن:

$\text{DisExp}_{i,t}$ = هزینه های فروش، عمومی و اداری.

$\text{Asset}_{i,t-1}$ = کل دارایی های شرکت در پایان دوره $t-1$.

$\text{Rev}_{i,t-1}$ = فروش سال های $t-1$.

¹ Eviews

ج) مدل برآورد سطح عادی جریانهای نقدی عملیاتی

با پیروی از تحقیقات روی چودری^۱ (۲۰۰۶)، کوهن^۲ و همکاران (۲۰۰۸) و کوهن و زاروین^۳ (۲۰۱۰) در این تحقیق سطح عادی جریانهای نقدی عملیاتی با بکارگیری معادله زیر برآورد می شود:

$$CFO_{i,t}/Asset_{t-1} = K_1 * 1/Asset_{i,t-1} + K_2 * Rev_{i,t}/Asset_{i,t-1} + K_3 * \Delta Rev_{i,t}/Asset_{i,t-1} + K_4 * \Delta Rev_{i,t}/Asset + \epsilon_{i,t}$$

که در آن:

$CFO_{i,t}$ = جریانهای نقدی عملیاتی در سال t .

$Asset_{i,t-1}$ = کل دارایی های شرکت در پایان دوره $t-1$.

$Rev_{i,t}$ = فروش خالص (درآمد) در سال t .

$\Delta Rev_{i,t}$ = فروش سال های t منهای فروشهای سال $t-1$.

برای مشخص شدن دستکاری فعالیت های واقعی سطوح غیر عادی آنها منظور می شود. به این صورت که در مدل های بالا ابتدا برای هر سال - صنعت یک رگرسیون تشکیل داده می شود و ضرایب رگرسیونی حاصل را در همان مدل قرار داده و رگرسیون برآورد می شود. که این مقدار برآوردی سطح عادی را برای هر سال هر صنعت نشان می دهد سپس در انتها از مابه التفاوت مقدار واقعی و مقدار برآوردی (سطح عادی) سطح غیر عادی به دست می آید که قدر مطلق نتیجه حاصل مدیریت واقعی سود را نشان می دهد مدل جامع مدیریت سود: مطابق مدل های کوهن و همکاران (۲۰۰۸)، کوهن و زاروین (۲۰۱۰) و ژائو و همکاران (۲۰۱۰) از یک معیار جامع برای مدیریت سود استفاده شده است که نحوه محاسبه آن به صورت زیر می باشد:

$$REM_{i,t} = -AbnCFO_{i,t} + AbnProdCost_{i,t} - AbnDisExp_{i,t}$$

که $AbnCFO_{i,t}$: سطح غیر عادی جریان نقد عملیاتی، $AbnProdCost_{i,t}$: سطح غیر عادی هزینه های تولید و $AbnDisExp_{i,t}$: سطح غیر عادی هزینه های اختیاری می باشد.

متغیر مستقل: عدم تقارن اطلاعات

برای اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی از دامنه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش استفاده می شود. برای اندازه گیری دامنه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش از مدل چپانگ و وینکاش (۱۹۸۶) طبق تحقیقات شینگ یانگ و همکاران (۲۰۱۶) استفاده می شود. برای این منظور:

- قیمت پیشنهادی خرید مربوط به لحظه t از قیمت پیشنهادی فروش در همین لحظه کسر می شود.
- به منظور قابلیت مقایسه شرکتها، لازم است که مقدار به دست آمده برای شرکت i بر میانگین قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در لحظه t تقسیم گردد.
- در نهایت به منظور محاسبه دامنه پیشنهادی خرید و فروش نسبی روزانه سهام لازم است از دامنه قیمت پیشنهادی خرید و فروش نسبی مربوط به لحظات مختلف یک روز میانگین گرفته شود.

¹ Roychowdhury
² Cohen
³ Cohen & Zarowin

$$\text{Spreda}_{it} = \frac{1}{n} \sum \frac{AP_{it} - BA_{it}}{\frac{AP_{it} + BA_{it}}{2}}$$

که در آن SPREDA دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در دوره t می باشد. N تعداد لحظات معاملاتی در یک روز کاری بورس می باشد.

AP_{it} (ASK PRICE): میانگین قیمت فروش پیشنهادی سهام شرکت i در دوره t .

BA_{it} (BID PRICE): میانگین قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در دوره t .

AP (Ask Price): میانگین قیمت فروش پیشنهادی سهام شرکت i در دوره t .

پس از به دست آوردن اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش روزانه سهام از طریق رابطه فوق، میانگین سالانه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سالانه محاسبه می گردد. طبق مدل هر چه دامنه تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگتری باشد حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است در آزمون فرضیه ها قدر مطلق عدد حاصل از این مدل مورد استفاده قرار می گیرد.

متغیر میانجی: ابعاد حاکمیت شرکتی

در این تحقیق سه متغیر زیر به عنوان ابعاد حاکمیت شرکتی در نظر گرفته می شود. درصد مالکیت سهامداران نهادی (INS_{it}): بیانگر درصد سهامداران نهادی شرکت i در سال t می باشد. برای این منظور درصد مالکیت بانکها، بیمه، صندوق های بازنشستگی، شرکت های سرمایه گذاری و شرکت هایی که فعالیت اصلی و تخصص آنها سرمایه گذاری می باشد، در پایان سال محاسبه و منظور خواهد شد.

دوگانگی نقش مدیر عامل ($Dogane$): اگر مدیر عامل در شرکت رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد ۰ میگیرد.

درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره ($Independent_{it}$): بیانگر درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره شرکت i در سال t می باشد که مبین میزان استقلال هیئت مدیره می باشد (قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴).

متغیر های کنترلی

اندازه شرکت: اندازه با استفاده از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی اندازه گیری می شود.

اهرم مالی: در این تحقیق، از نسبت کل بدهی به کل دارایی به عنوان شاخص اهرم مالی استفاده می شود.

رشد شرکت: برابر است با تغییرات فروش امسال نسبت به سال قبل.

نرخ بازده دارایی ها (ROA): برابر با سود خالص تقسیم بر کل دارایی ها.

یافته ها

در روش های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جدول و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده های تحقیق پرداخته شود، تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق برای ۱۴۹ شرکت در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق در شرکت های نمونه

متغیر	علامت	میانگین	بیشترین مقدار	کمترین مقدار	انحراف معیار
درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره	INDEPEND	۰.۶۹	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۱۸۹
درصد مالکیت سهامداران نهادی	INS	۰.۷۱۹	۰.۹۹	۰.۰۰۰	۰.۱۸۴
مدیریت سود	REM	۰.۰۱۶	۰.۹۱۰	۰.۹۰۰	۰.۱۹۲
عدم تقارن اطلاعاتی	sperda	۰.۲۹۷	۰.۹۸۴	۰.۳۵۹	۰.۳۱۶
بازده دارایی	ROA	۰.۱۱۳	۰.۹۳۰	-۰.۹۱۳	۰.۱۵۹
اهرم مالی	lev	۰.۶۶۰	۰.۷۹۳	۰.۱۳۰	۰.۲۴۹
اندازه شرکت	size	۱۳.۹۷۹	۱۹.۰۶۶	۱۰.۵۰۴	۱.۳۷۴
رشد شرکت	G	۱.۵۷۹	۶.۵۲۷	۰.۶۳۴	۰.۶۷۴
دوگانگی نقش مدیر عامل	doganeghi	۰.۲۳۳	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۴۲۳
تعداد مشاهدات	obs	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸
دوگانگی نقش مدیر عامل	doganeghi	فراوانی	درصد فراوانی		
دارای نقش دوگانه	۱	۳۱	۲/۴۹		
بدون نقش دوگانه	۰	۱۰۱۴	۹۷/۵۱		

توصیف اطلاعات گردآوری شده یکی از فرآیندهای تحقیق در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش است که گزارش آنها در پژوهش، مهم است. داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اطلاعاتی دست دوم گردآوری و دسته‌بندی شده است. توصیف اطلاعات و داده‌های آماری با توجه به مقیاس‌های اندازه‌گیری انتخاب می‌گردد. بنابراین در این بخش در مورد ویژگی‌های نمونه آماری و شاخص‌های مربوط به صورت‌های مالی اعضای نمونه آماری بحث و بررسی صورت گرفته است که در ادامه به آنها در دو بخش جداگانه پرداخته شده است. با توجه به اینکه از روش ترکیب داده‌های پانل برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده می‌کنیم، تعداد مشاهدات سال - شرکت بر اساس داده‌های ترکیبی متوازن، ۱۰۴۳ مشاهده بوده است.

آزمون ریشه واحد داده‌های پانل

پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه، استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به‌وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود.

- فیشر با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته-فیشر^۱.
- فیشر با استفاده از آزمون فیلیپس پرون-فیشر^۲.
- آزمون هادری^۳.

H_0 : وجود ریشه واحد (نامانا).

H_1 : وجود ریشه واحد (مانا) عدم.

برای تشریح این آزمون‌ها، الگوی $AR(1)$ برای متغیر در نظر گرفته می‌شود که در آن متغیر مورد بررسی (متغیرهای وابسته و مستقل) $i=1,2,\dots,N$ معرف شرکتها، $t=1,2,\dots,T_i$ تعداد مشاهدات سری زمانی در هر کشور، X_{it} عرض از

¹ Fisher – ADF

² Fisher – PP

³ Hadri

مبداء و روند، δ_i ضریب خود همبستگی و ε_i جمله اخلاص بوده که فرض می‌شود در بین شرکتها مختلف مستقل از هم هستند. اگر $|\rho_i| < 1$ در این صورت متغیر مورد نظر مانا و چنانچه $|\rho_i| = 1$ باشد، Y_i دارای ریشه واحد و نامانا می‌شود.

جدول (۲): نتایج آزمون ریشه واحد تابلویی بر اساس آزمون کای دو فیشر

نتیجه	سطح معنی داری	آزمون فیشر	علامت	متغیر
مانا	۰.۰۰۰	-۳۹.۲۶۲	INDEPEND	درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره
مانا	۰.۰۰۰	-۳۰.۴۹۱	INS	درصد مالکیت سهامداران نهادی
مانا	۰.۰۰۰	-۴۵.۰۰۱	REM	مدیریت سود
مانا	۰.۰۰۰	-۲۹.۸۸۲	sperda	عدم تقارن اطلاعاتی
مانا	۰.۰۰۰	-۳۶۹/۰۹	ROA	بازده دارایی
مانا	۰.۰۰۰	-۳۸۷/۳۷	lev	اهرم مالی
مانا	۰.۰۰۰	-۴۴.۴۶۵	size	اندازه شرکت
مانا	۰.۰۰۰	-۲۱.۵۳۱	G	رشد شرکت
مانا	۰.۰۰۰	-۲.۷۵۲	doganeghi	دوگانگی نقش مدیر عامل

بر اساس نتایج حاصل از آزمون مانایی در جدول (۲)، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تمام متغیرها در آزمون‌های لوین لین و چو، ایم پسران و شین، دیکی فولر تعمیم‌یافته‌ی فیشر و فیلیپس- پرون فیشر در سطح مانا هستند. این نتایج با توجه به مقدار عددی آماره‌های لوین، لین و چو و همچنین سطح احتمال مربوط به این آماره‌ها استخراج شده‌اند. به عنوان نمونه برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی با توجه به اینکه میزان آماره آزمون لوین لین و چو معادل (-۲۹.۸۸۲) شده است و اینکه (سطح بحرانی بین ۲ و -۲ است) و همچنین سطح احتمال برای این متغیر معادل صفر شده است ($\text{prob} < 0.05$)، در نتیجه این متغیر در سطح مانا است و نیاز به تفاضلگیری ندارد. همین تحلیل برای سایر متغیرها نیز برقرار است. و بنابراین، همگی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند.

آزمون نرمال بودن متغیرها

خروجی آزمون آزمون جاک برا در نرم‌افزار ایویوز برای این متغیر به شرح نگاره ۳ زیر است:
فرض صفر در این آزمون همگون بودن توزیع مشاهدات با توزیع نظری مشخص (با پارامتری معین) است که با حدس آن را تعیین کرده ایم و فرض مخالف مناسب نبودن توزیع مورد نظر برای متغیر است:
 H_0 : داده‌ها از توزیع نرمال پیروی می‌کنند.
 H_1 : داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

نحوه داوری

چنانچه سطح معنی داری (Sig) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ باشد نشان دهنده آن است که توزیع مشاهده شده با توزیع نظری مربوط است. در تحقیق فرض H_1 پذیرش و فرض H_0 رد می‌شود، یعنی داده‌ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند.

جدول (۳): نتایج آزمون نرمال بودن با چارک برا

نتیجه	سطح معنی داری	آزمون فیشر	علامت	متغیر
درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره	۰.۰۰۰	۲۹.۲۸۴	INDEPEND	
درصد مالکیت سهامداران نهادی	۰.۰۰۰	۸۱۶.۸۲۵	INS	
مدیریت سود	۰.۰۰۰	۶۱۳.۳۵۷	REM	
عدم تقارن اطلاعاتی	۰.۰۰۰	۸۷.۵۴۸	sperda	

۰.۰۰۰	۹۳۶.۹۵۸	ROA	بازده دارایی
۰.۰۰۰	۴۱۵۸.۹۳۶	lev	اهرم مالی
۰.۰۰۰	۱۷۵.۵۹۴	size	اندازه شرکت
۰.۰۰۰	۲۹۰۲.۱۷۸	G	رشد شرکت
۰.۰۰۰	۲۷۳.۸۴۲	doganeghi	دوگانگی نقش مدیر عامل

نرمال بودن متغیر وابسته یکی از پیش فرض‌های مدل‌های رگرسیونی حداقل مربعات معمولی است. اگر میزان احتمال چارک برا بیشتر از ۵٪ باشد فرض H_1 رد شده و ادعای نرمال بودن توزیع داده‌ها پذیرفته می‌شود. همانطور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود احتمال چارک برا برای متغیرهای وابسته و مستقل کمتر از ۵ درصد می‌باشد که در این شرایط نرمال نمی‌باشد. ولی زمانی که سایر فروض کلاسیک برقرار باشد و نمونه آماری نیز بزرگتر از ۳۰ مشاهده باشد، توزیع جملات اخلاص به توزیع نرمال نزدیک می‌شود. در این حالت حتی اگر جملات اخلاص دارای توزیع نرمال نباشند، ضرایب مدل حداقل واریانس بوده و کارا هستند و همین دو ویژگی برای تصمیم‌گیری در خصوص فرضیه‌هایی که با استفاده از ضرایب مدل آزمون می‌شوند کافی است.

بررسی نبود خود همبستگی

برای بررسی نبود خود همبستگی در نتایج مدل رگرسیونی از آماره دوربین-واتسون استفاده شده است. آزمون دوربین واتسون همبستگی سریالی بین باقیمانده (خطا) های رگرسیون را بر مبنای فرض صفر آماری زیر آزمون می‌نماید:

H_0 : بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد.

H_1 : بین خطاها خود همبستگی وجود دارد.

اگر آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار گیرد، فرضیه H_0 آزمون (عدم همبستگی بین خطاها) پذیرفته می‌شود و در غیر این صورت H_1 تایید می‌شود. نتایج مربوط به آماره دوربین-واتسون فرضیه‌های پژوهش در جدول (۴) قید شده است.

جدول (۴): آزمون استقلال خطاها

فرضیه‌ها	نوع آزمون	آماره	نتیجه
فرضیه اول	دوربین-واتسون	۲.۱۰۱	عدم وجود خود همبستگی
فرضیه دوم	دوربین-واتسون	۲.۰۹۸	عدم وجود خود همبستگی
فرضیه سوم	دوربین-واتسون	۲.۱۰۰	عدم وجود خود همبستگی
فرضیه چهارم	دوربین-واتسون	۱.۵۹۳	عدم وجود خود همبستگی

با توجه به جدول مزبور مقدار آماره دوربین-واتسون برای مدل‌های مقادیر آماره دوربین واتسون در داخل فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار ندارد. بنابراین فرض H_0 مبنی بر عدم وجود خود همبستگی بین خطاها تایید نمی‌شود.

تعیین نوع آزمون و روش تجزیه و تحلیل

چنانچه در نرم افزار Eviews آزمون هاسمن را انجام دهیم و prob بدست آمده کوچکتر از ۰.۰۵ باشد مدل اثرات ثابت در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود، اما اگر بزرگتر از ۰.۰۵ باشد، در این صورت مدل اثرات تصادفی پذیرفته می‌شود.

جدول (۵): نتایج آزمون چاو، جهت تشخیص همگن یا ناهمگن بودن مقاطع

الگوی مورد بررسی	F	احتمال آماره F	نتیجه آزمون چاو
مدل اول پژوهش	۰.۲۸۸	۰.۹۴۳	فرضیه صفر رد می‌شود

مدل دوم پژوهش	۰.۲۴۹	۰.۹۵۹	فرضیه صفر رد می‌شود
مدل سوم پژوهش	۰.۳۰۵	۰.۹۳۴	فرضیه صفر رد می‌شود
مدل چهارم پژوهش	۰.۳۱۳	۰.۹۳۰	فرضیه صفر تایید می‌شود

همان‌گونه که در جدول شماره ۵ دیده می‌شود، نتیجه آزمون چاو، نشان می‌دهد که احتمال به‌دست آمده برای آماره F در مدل پژوهش پژوهش کمتر از ۵ درصد است، بنابراین برای آزمون این فرضیه، داده‌ها در تمام مدل‌ها به صورت تابلویی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما برای مدل دوم بیشتر از ۵ درصد بوده، بنابراین برای آزمون این فرضیه، داده‌ها در تمام مدل‌ها به صورت پولی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

آزمون هاسمن

در این آزمون از آماره چو با K درجه آزادی استفاده می‌شود اگر چو دو بدست آمده از مقدار جدول بیشتر بود، فرض صفر مبنی بر تصادفی بودن رد می‌شود و فرض آثار ثابت پذیرفته می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در مطالعه حاضر روش برآورد مدل براساس داده‌های تابلویی است. این روش ترکیبی از اطلاعات سری زمانی (۱۳۹۴-۱۴۰۱) و داده‌های مقطعی ۱۴۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار) می‌باشد. تمامی ارقام محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای مدل بر حسب میلیون ریال می‌باشد. برنامه‌ی نرم افزاری مورد استفاده در این تحقیق، برنامه نرم‌افزاری ایویوز ۹ می‌باشد. مدل‌های برآورد شده با توجه به فرضیه‌های ارائه شده به صورت مدل‌های رگرسیون چند متغیره ارائه شده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه اول و مدل مورد استفاده

آزمون فرضیه اول

فرضیه اول بیان می‌دارد: بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود رابطه وجود دارد. برای آزمون فرضیه رگرسیون زیر برآورد می‌شود:

$$\text{Rem}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{spreds}_{it} + \beta_3 \text{size}_{it} + \beta_4 \text{roa}_{it} + \beta_5 \text{size}_{it} + \beta_6 \text{git} + \varepsilon_{it}$$

H₀: بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود رابطه وجود ندارد.

H₁: بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه یک در جدول ۷ و ۸ ارائه گردیده است.

جدول (۷): آمار معناداری مدل پژوهش

مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معنی‌داری	آماره دوربین-واتسون
اول	۰.۳۳۸	۰.۳۳۳	۷۲.۸۴۹	۰.۰۰۰	۲.۱۰۱

مهم‌ترین هدف این جدول، ارائه آماره‌ای برای اندازه‌گیری نیکویی برازش است که این کار به‌وسیله ضریب تعیین انجام می‌گردد. ضریب تعیین، معیاری برای سنجش شدت رابطه بین X و Y می‌باشد که مقدار آن در اینجا ۰/۳۳۷ است. یعنی ضریب تعیین قادر است ۳۳.۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مدیریت سود) را توضیح دهد. همبستگی متوالی بین باقیمانده‌ها به معنای اثرگذاری مشاهدات بر هم است. با توجه به مقدار آماره‌ی دوربین-واتسون^۹ (۲.۱۰۱)، همبستگی متوالی بین داده‌ها وجود ندارد. حال پس از بررسی اولیه و اینکه معنی‌داری کل مدل با استفاده از آماره F مورد قبول واقع شده، به

بررسی معنی دار بودن ضرایب به دست آمده از آزمون t می پردازیم. جدول معنی دار بودن ضرایب مدل رگرسیونی ذکر شده، به شرح زیر می باشد.

جدول (۸): ضرایب و مقدار آماره t

متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
متغیر ثابت	-۰.۲۰۹	-۲.۵۰۷	۰.۰۱۲
عدم تقارن اطلاعاتی	۰.۴۳۰	۹.۴۷۵	۰.۰۰۰
اندازه شرکت	۰.۰۰۸	۱.۳۷۶	۰.۱۶۹
اهرم مالی	-۰.۰۱۶	-۰.۲۹۶	۰.۷۶۷
رشد شرکت	۰.۰۱۵	۱.۰۶۲	۰.۲۸۸
نرخ بازده دارایی ها	۰.۴۲۶	۷.۲۱۸	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون مدل اول پژوهش، سطح معنی داری آماره F (۰.۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون (۲.۱۰۱) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می دهد که بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود رابطه وجود دارد. بنابراین فرضیه H_0 پژوهش را می توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می دهد متغیرهای کنترلی وارد شده فقط نرخ بازده دارایی ها در مدل رگرسیون تاثیر معنی داری بر مدیریت سود دارد و مابقی متغیرها تاثیر معناداری بر مدیریت سود ندارند.

نتایج آزمون فرضیه دوم و مدل مورد استفاده

فرضیه دوم بیان می دارد: درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر دارد.

برای آزمون فرضیه رگرسیون زیر برآورد می شود:

$$Rem_{it} = \beta_1 + \beta_2 spre_{it} + \beta_3 BorInd_{it} + \beta_4 spre_{it} * BorInd_{it} + \beta_5 size_{it} + \beta_6 g_{it} + \beta_7 lev_{it} + \beta_8 roa_{it} + \epsilon_{it}$$

H_0 : درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر ندارد.

H_1 : درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر دارد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه دوم در جدول ۹ و ۱۰ ارائه گردیده است.

جدول (۹): آمار معناداری مدل پژوهش

مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معنی داری	آماره دوربین-واتسون
دوم	۰.۳۳۸	۰.۳۳۳	۵۴۶۷۳	۰.۰۰۰	۲.۰۹۸

مهم ترین هدف این جدول، ارائه آماره ای برای اندازه گیری نیکویی برازش است که این کار به وسیله ضریب تعیین انجام می گردد. ضریب تعیین، معیاری برای سنجش شدت رابطه بین X و Y می باشد که مقدار آن در اینجا ۰.۳۳۸ است. یعنی ضریب تعیین قادر است ۳۳.۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مدیریت سود) را توضیح دهد. همبستگی متوالی بین باقیمانده ها به معنای اثرگذاری مشاهدات بر هم است. با توجه به مقدار آماره دوربین-واتسون^۹ (۲.۰۹)، همبستگی متوالی بین داده ها وجود ندارد.

جدول (۱۰): ضرایب و مقدار آماره t

متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
متغیر ثابت	۰.۱۸۸	-۲.۴۱۲	۰.۰۱۶
عدم تقارن اطلاعاتی	۰.۰۰۷	-۰.۱۳۹	۰.۸۸۹
درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره	-۰.۰۲۸	۰.۷۳۹	۰.۴۵۹
عدم تقارن* درصد مالکیت	۰.۴۳۱	۱۱.۰۹۹	۰.۰۰۰
اندازه شرکت	۰.۰۰۸	۱.۴۱۵	۰.۱۵۷
اهرم مالی	-۰.۰۱۳	-۰.۲۸۱	۰.۷۷۸
رشد شرکت	۰.۰۱۵	۱.۲۷۹	۰.۲۰۱
نرخ بازده دارایی ها	۰.۴۲۷	۸.۷۴۲	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون مدل دوم پژوهش، سطح معنی داری آماره F (۰.۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون (۲.۰۹) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می دهد که درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر منفی دارد بنابراین فرضیه H_0 پژوهش را می توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می دهد متغیرهای کنترلی وارد شده نرخ بازده دارایی ها در مدل رگرسیون تاثیر معنی داری بر مدیریت سود دارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم و مدل مورد استفاده

فرضیه سوم بیان می دارد: دوگانگی نقش مدیر عامل، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر دارد. برای آزمون فرضیه رگرسیون زیر برآورد می شود:

$$\text{Rem}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{spreds}_{it} + \beta_3 \text{digane}_{it} + \beta_4 \text{spreda} * \text{Dogane}_{it} + \beta_5 \text{size}_{it} + \beta_6 \text{git} + \beta_7 \text{lev}_{it} + \beta_8 \text{roa}_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه سوم در جدول ۱۱ و ۱۲ ارائه گردیده است.

جدول (۱۱) آمار معناداری مدل پژوهش

مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معنی داری	آماره دوربین- واتسون
سوم	۰.۳۴۰	۰.۳۳۴	۵۵.۲۲۶	۰.۰۰۰	۲.۱۰۰

مهم ترین هدف این جدول، ارائه آماره ای برای اندازه گیری نیکویی برازش است که این کار به وسیله ضریب تعیین انجام می گردد. ضریب تعیین، معیاری برای سنجش شدت رابطه بین X و Y می باشد که مقدار آن در اینجا ۰/۳۴ است. یعنی ضریب تعیین قادر است ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مدیریت سود) را توضیح دهد. همبستگی متوالی بین باقیمانده ها به معنای اثرگذاری مشاهدات بر هم است. با توجه به مقدار آماره ی دوربین- واتسون^۹ (۲۰۱۰)، همبستگی متوالی بین داده ها وجود ندارد.

جدول ۱۲ ضرایب و مقدار آماره t

متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
متغیر ثابت	-۰.۲۰۵	-۲.۹۹۶	۰.۰۰۲
عدم تقارن اطلاعاتی	۰.۰۰۷	۰.۳۲۱	۰.۷۴۸
دوگانگی	-۰.۰۳۷	۲.۳۵۵	۰.۰۱۸

۰.۶۱۱	۰.۵۰۷	۰.۰۱۸	عدم تقارن * دوگانگی
۰.۱۰۰	۱.۶۴۴	۰.۰۰۸	اندازه شرکت
۰.۵۹۱	-۰.۵۳۷	-۰.۰۲۸	اهرم مالی
۰.۲۱۵	۱.۲۴۰	۰.۰۱۵	رشد شرکت
۰.۰۰۰	۸.۴۲۶	۰.۴۲۵	نرخ بازده دارایی ها

با توجه به نتایج آزمون مدل سوم پژوهش، سطح معنی داری آماره F (۰.۰۰۰) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی دار است. آماره دوربین واتسون (۲.۱۰۰) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می دهد که دوگانگی نقش مدیر عامل، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر ندارد. بنابراین فرضیه H0 پژوهش را می توان در سطح خطای ۵ درصد رد کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می دهد متغیرهای کنترلی وارد شده نرخ بازده دارایی در مدل رگرسیون تاثیر معنی داری بر مدیریت سود دارد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم و مدل مورد استفاده

فرضیه چهارم بیان می دارد: درصد مالکیت سهامداران نهادی، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر دارد. برای آزمون فرضیه رگرسیون زیر برآورد می شود:

$$\text{Rem}_{it} = \beta_1 + \beta_2 \text{spre}_{it} + \beta_3 \text{INS}_{it} + \beta_4 \text{spre}_{it} * \text{INS}_{it} + \beta_5 \text{size}_{it} + \beta_6 \text{g}_{it} + \beta_7 \text{lev}_{it} + \beta_8 \text{roa}_{it} + \varepsilon_{it}$$

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه چهارم در جدول ۱۳ و ۱۴ ارائه گردیده است.

جدول (۱۳): آمار معناداری مدل پژوهش

مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	سطح معنی داری	آماره دوربین- واتسون
چهارم	۰.۲۰۰	۰.۱۹۰	۱۹.۲۰۵	۰.۰۰۰	۱.۵۹۳

مهم ترین هدف این جدول، ارائه آماره ای برای اندازه گیری نیکویی برازش است که این کار به وسیله ضریب تعیین انجام می گردد. ضریب تعیین، معیاری برای سنجش شدت رابطه بین X و Y می باشد که مقدار آن در اینجا ۰/۲۰۰ است. یعنی ضریب تعیین قادر است ۲۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مدیریت سود) را توضیح دهد. همبستگی متوالی بین باقیمانده ها به معنای اثرگذاری مشاهدات بر هم است. با توجه به مقدار آماره ی دوربین- واتسون^۹ (۱.۵۹۳)، همبستگی متوالی بین داده ها وجود ندارد.

جدول (۱۴): ضرایب و مقدار آماره t

متغیرها	ضرایب	آماره t	معنی داری
متغیر ثابت	-۰.۲۳۴	-۴.۶۷۳	۰.۰۰۰
عدم تقارن اطلاعاتی	-۰.۰۷۸	-۲.۷۱۱	۰.۰۰۸
درصد مالکیت نهادی	-۰.۰۱۳	-۰.۵۱۴	۰.۸۰۷
عدم تقارن * نهادی	۰.۱۰۴	۲.۳۲۸	۰.۰۲۰
اندازه شرکت	۰.۰۱۱	۳.۳۵۱	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-۰.۰۲۲	-۰.۸۲۲	۰.۴۱۱
رشد شرکت	۰.۰۱۰	۱.۱۶۴	۰.۲۴۴
نرخ بازده دارایی ها	۰.۴۶۹	۲.۴۲۶	۰.۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون مدل سوم پژوهش، سطح معنی‌داری آماره $F(0.000)$ کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنی‌دار است. آماره دوربین و واتسون (۱.۵۹۳) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (P-Value) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب β_1 نتایج آزمون نشان می‌دهد که درصد مالکیت سهامداران نهادی، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر ندارد. بنابراین فرضیه H_0 پژوهش را می‌توان در سطح خطای ۵ درصد تایید کرد. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای کنترلی وارد شده نرخ بازده دارایی در مدل رگرسیون تاثیر معنی‌داری بر مدیریت سود دارد. همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌گردد، نتایج این پژوهش بیانگر آن است که درصد مالکیت سهامداران نهادی، بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در سطح خطای کمتر از ۵ درصد تاثیر دارد و فرض H_0 رد می‌گردد و از متغیرهای کنترلی وارد شده نرخ بازده دارایی در مدل رگرسیون تاثیر معنی‌داری بر مدیریت سود دارند.

بحث و نتیجه گیری

عدم تقارن اطلاعات میان مدیریت و افراد برون‌سازمانی نظیر سرمایه‌گذاران، یکی از مسائل بارز در حوزه‌های مختلف از جمله بازار سرمایه است. عدم تقارن اطلاعاتی به بیانی ساده حاکی از آن است که همگان به طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگران است. عدم تقارن اطلاعات عامل اصلی در هدایت مدیران به سمت مدیریت سود است (آمبرس^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). به‌طور کلی سود دوره جاری را می‌توان به دو روش مدیریت کرد. در روش اول، مدیران می‌توانند سود را از طریق اقلام تعهدی اختیاری دستکاری نمایند. در روش دوم، مدیران از طریق فعالیت‌های واقعی اقدام به دستکاری سود می‌نمایند. به‌ویژه آنها می‌توانند زمان و میزان فعالیت‌های واقعی مثل تولید، فروش، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تأمین مالی را تغییر دهند تا به هدف سود مورد نظر دست یابند. برای مثال، سود گزارش شده می‌تواند به طور موقت از طریق تولید اضافی، حذف هزینه‌های اختیاری و یا به تأخیر انداختن آنها و نیز کاهش قیمت‌ها در پایان سال به منظور انتقال فروش سال مالی آتی به سال جاری افزایش یابد. این دستکاری فعالیت‌های واقعی اشاره به مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی دارد (کیم^۲ و همکاران، ۲۰۰۸). برای تبیین رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی، ریشه عدم تقارن اطلاعاتی باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد. منشأ بخش عمده‌ای از عدم تقارن اطلاعاتی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد شرکت‌ها است و بخشی از آن نیز ریشه در روش‌های جمع‌آوری و گزارش اطلاعات توسط مدیریت دارد. عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری به مدیریت امکان بیشتری برای دستکاری صورت‌های مالی می‌دهد تا بتواند به وسیله مبادلات خودی و همچنین افزودن بر مزایای جبران خدمات، منابع را به خود منتقل کند. البته چنین تلاش‌هایی هزینه برند؛ زیرا فعالیت‌های مدیریت را از بیشینه‌سازی ارزش شرکت منحرف و باعث ایجاد هزینه‌های نمایندگی می‌شود. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات خضری و همکاران (۱۴۰۲)، حاجی و همکاران (۱۳۹۹)، کوینه و همکاران (۲۰۲۴)، نورانو و همکاران (۲۰۲۲) و ... همخوانی دارد. در بازار سرمایه، اطلاعات گران‌بهارترین دارایی تلقی می‌شود. هر چه اطلاعات در بازار سرمایه شفاف‌تر باشد، عدم تقارن اطلاعاتی کمتر و بازار کارآتر خواهد بود. تئوری نمایندگی (کارگزاری) مربوط به موردی است که یک نفر مسؤولیت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی و یا انجام خدمتی را طی قرارداد مشخصی به شخص دیگری واگذار می‌نماید. شخص اول را در اصطلاح، صاحبکار (مالک) و شخص دوم را اصطلاحاً نماینده (کارگزار) می‌نامند (نمازی، ۱۳۸۴). تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. با بزرگتر شدن شرکتها،

¹ Ambrose

² Kim

مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کرده‌اند. جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به مشکلات نمایندگی می‌شود. طبق تئوری نمایندگی، اولین مشکل مربوط به نمایندگی وجود تضاد منافع بین سهامدار و مدیر است. یعنی سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است و مدیر نیز در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود می‌باشد؛ بنابراین، این احتمال وجود دارد که مدیر، در راستای منافع سهامدار عمل ننماید. اختلاس و فساد مالی مدیر و خارج ساختن منافع سهامدار از شرکت، نمونه‌هایی افراطی از این تضاد منافع می‌باشند. بنابراین می‌توان یکی از مهمترین دلایل تقاضا برای حسابرسی سالانه را افزایش تضاد نمایندگی و همچنین بالا رفتن هزینه‌های نمایندگی دانست.

منابع

- ✓ حاجی، توفیق، شریفی، فهیمه، (۱۳۹۹)، بررسی رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۱۲۱-۱۳۸.
- ✓ خمیری، سارا، شمگانی، رضا، (۱۴۰۲)، بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش در اقتصاد، حسابداری و مدیریت، تهران.
- ✓ Abdillah, S.Y., Susilawati, R. A. E., & Purwanto, N. (2016). Pengaruh Good Corporate Governance Pada Manajemen Laba (Studi Empiris Pada Perusahaan Manufaktur Yang Terdaftar Di Bursa Efek Indonesia Tahun 2013-2014). Program Studi Akuntansi, Fakultas Ekonomika Dan Bisnis Universitas Kanjuruhan, Malang.
- ✓ Agustia, Y. P., & Suryani, E. (2018). Pengaruh Ukuran Perusahaan, Umur Perusahaan, Leverage, dan Profitabilitas Terhadap Manajemen Laba Studi Pada Perusahaan Pertambangan yang Terdaftar di Bursa Efek Indonesia Periode 2014 Program Studi Akuntansi, Fakultas Ekonomi Dan Bisnis, Universitas Telkom, Bandung.
- ✓ Linda Wimelda, A. C. (2018). Opportunistic Behavior, External Monitoring Mechanisms, Corporate Governance, and Earnings Management. *Accounting and Finance Review*, Vol.3, No.1, PP.44-52,52-44.
- ✓ Nurainun Bangun, S.E, Ak., M.M., CA., Dr. Rio Monoarfa, SE, M. Si Ak (2021) Effect of Corporate Governance, Information Asymmetry, And Firm Size on Earning Management. *EEO*, 20 (3), 351-365. doi:10.17051/ilkonline.2021.03.34
- ✓ Quynh, Nguyen a, Maria H. Kim b,*, Searat Ali.(2024).Corporate governance and earnings management: Evidence from Vietnamese listed firms,. *International Review of Economics & Finance*,. Volume 89, Part A, January 2024, Pages 775-801
- ✓ Setiawan, N. P. (2019). Pengaruh Asimetri Informasi, Ukuran Perusahaan, Leverage dan Profitabilitas pada Manajemen Laba. *E-Jurnal Akuntansi Universitas Udayana*, Vol.27, No.1, PP.708-736.
- ✓ Suryani, Y. P. (2018). Pengaruh Ukuran Perusahaan, Umur Perusahaan, Leverage, dan Profitabilitas Terhadap Manajemen Laba. *Jurnal Aset (Akuntansi Riset)*, Vol. 10, NO (1), PP. 63-74
- ✓ Wahyono, A. N. (2019). The Effect of CSR Disclosure, Corporate Governance Mechanism, Auditor Independence, Auditor Quality, and Firm Size on Earning Management. *Jurnal Riset Akuntansi dan Keuangan Indonesia*, Vol.3, No.3, PP.156-170.
- ✓ Widyaningsih, H. (2017). Pengaruh Corporate Governance Terhadap Manajemen Laba. *STIEBBANKYogyakarta*.
- ✓ Wimelda, L., & Chandra, A. (2018). Opportunistic Behavior, External Monitoring Mechanisms, Corporate Governance, and Earnings Management. *Trisakti School of Management*, Jl. Kyai Tapa No. 20, Jakarta, Indonesia.

- ✓ Wirakusuma, D. K. (2016). Pengaruh Perencanaan Pajak, Kepemilikan Manajerial dan Ukuran Perusahaan Terhadap Praktik Manajemen Laba. E-Jurnal Akuntansi Universitas Udayana, Vol.14, No.3, pp.1555-1583.
- ✓ Wiyadi, R. T. (2015). The Effect of Information Asymmetry, Firm Size, Leverage, Profitability and Employee Stock Ownership on Earnings Management With Accrual Model. International Journal of Business, Economics and Law, Vol. 8, Iss.2, PP. 21-30.
- ✓ Yulius Kurnia Susanto, A. P. (2019). Earnings Management: ESOP and Corporate Governance. Academy of Accounting and Financial Studies Journal, Vol.23, PP.1-13.

